

یادداشت

توسعه نامتوازن صنعت پتروشیمی



قادر شادی‌وند
کارشناس انرژی

● این ادعا که ایران کشوری با فرصت‌های طلایی برای توسعه صنایع پایین‌دستی و تکمیلی صنعت نفت و گاز است، به‌هیچ‌عنوان اغراق‌آمیز نیست. امروزه به لطف شبکه گسترده انتقال گاز و فراورده، دسترسی به گاز طبیعی و فراورده‌های نفتی در هر نقطه‌ای از کشور به‌سر آسان است. به این مزیت‌ها باید وجود کشورهای با ذخایر و تولید قابل‌توجه نفت و گاز در شمال، جنوب و غرب کشور را نیز اضافه کرد تا موقعیت استثنایی کشور در عرصه توسعه صنایع وابسته به محصولات مشتق‌شده از نفت خام و گاز طبیعی و به‌طور ویژه صنعت پتروشیمی بیشتر نمایان شود. در این شرایط، چرا توسعه صنایع تکمیلی و زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز تنها به حلقه‌های اولیه توسعه محدود شده و ایران از نظر تولید محصولات پتروشیمی به‌عنوان صنعت ارزش‌آفرین در زنجیره نفت و گاز، تنها به تولیدکننده عمده مواد پایه شیمیایی و صادرات آن به بازارهای جهانی مبدل شده است؟ هرچند توسعه صنعت پتروشیمی کشور بیش از نیم‌قرن سابقه دارد، اما روند بلوغ این صنعت در همان مراحل ابتدایی مانده است. اگرچه اتخاذ سیاست ظرفیت‌آفرینی تولید محصولات پایه در دهه‌های نخست توجه‌پذیر می‌نمود، اما امروز و پس از پنج دهه فعالیت، ادامه همان سیاست‌ها بدون توجه به حرکت در مسیر تولید محصولات با ارزش نهایی قابل‌قبول نخواهد بود. امروزه محصولات پایه شیمیایی تولید داخل با توجه به عدم امکان تبدیل در بازار داخل به بازارهای مختلف صادر شده و پس از تبدیل به محصولات نهایی در سید وارداتی کشور قرار می‌گیرند. این در حالی است که بخش اشتغال‌زا و ارزش‌آفرین این صنعت در انتهای زنجیره آن و صنایع پایین‌دستی و پسینی قرار دارد. در یک نگاه راهبردی، عارضه‌یابی شکل‌گیری شرایط توسعه نامتوازن صنعت پتروشیمی، در نهایت به دو علت مهم ختم می‌شود: علت نخست را باید وجود رانت خوراک دانست؛ دسترسی به خوراک ارزان مایع و گازی در دهه‌های گذشته موجب بالارفتن آب و احداث مجتمع‌های پتروشیمی در کشور شد، اما این سیاست از آنجا که با سیاست تکمیلی همراه نشد، به توسعه زنجیره ارزش در این صنعت منتهی نشد. سرمایه‌گذاران با تبدیل خوراک پاران‌های به اولین محصول در زنجیره تولید (همان محصولات عمده پایه شیمیایی)، بدون توجه به تکمیل زنجیره تولید اقدام به صادرات آن کرده‌اند. این سیاست (یعنی تخفیف در نرخ خوراک صنایع پتروشیمی) درواقع توانسته‌ست عامل تشویق سرمایه‌گذاران به توسعه صنایع تکمیلی در این صنعت باشد. در ابتدای تدوین برنامه ششم توسعه، سیاستی از جانب وزارت نفت به دولت پیشنهاد شد که بر اساس آن واحدهایی که بدون توجه به تکمیل زنجیره تولید اقدام به صادرات محصول پایه خود می‌کنند، ملزم به پرداخت بهای خوراک خود با نرخ‌هایی غیر از نرخ یارانه‌ای بشوند. با وجود این بخش نخست این سیاست حذف شد و سیاست مزبور در قالب اعمال تخفیف خوراک به شرکت‌های پتروشیمی توسعه‌دهنده زنجیره ارزش تصویب شد که جنبه الزامی خود را از دست داد. این در حالی است که با گذشت چند دهه از توسعه صنعت پتروشیمی و ایجاد ظرفیت مناسب در تولید محصولات پایه، عملاً زمان ورود به مرحله تبدیل این محصولات به محصولات نهایی در داخل کشور فرارسیده است و ادامه سیاست ظرفیت‌آفرینی پیشین هیچ توجیهی ندارد.عامل دوم، خصوصی‌سازی عوالات است. در سال‌های گذشته صنعت پتروشیمی، سهم بالایی در راستای تحقق سیاست اصل ۴۴ قانون اساسی داشته است. از علل جابجیت این بخش برای خریداران وجود سود فراوان با توجه به خوراک ارزان و درآمدهای ارزی با توجه به سهم بالای صادرات از محل محصولات تولیدی بوده است. در روند خصوصی‌سازی مزبور دو اشکال عمده مشاهده می‌شود که عبارت‌اند از: «حضور غیرحرفه‌ای واگذار شد». از سویی دیگر عدم توجه به واگذاری واحدهای تولیدکننده مواد اولیه مورد نیاز سایر شرکت‌های پتروشیمی و همچنین کاهش نظارت وزارت نفت بر این واحدها به بروز بی‌نظمی (و در برخی موارد انحصار در زنجیره تأمین خوراک واحدهای میانی و پایین‌دست) منجر شده است. این شرایط تنها با ایجاد یک نهاد تنظیم‌گر که در قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت از وظایف این وزارتخانه برشمرده شده است، قابل‌اصلاح خواهد بود که آن را ذیل راهبرد «گلوگاتور» معرفی می‌کنند. با وجود برخی اقدامات اصلاحی با توجه به ممنوعیت سرمایه‌گذاری توسعه‌ای دولت در صنعت پتروشیمی و همچنین تأمیل بخش خصوصی به بهرمندی از رانت موجود در خوراک، انتظار می‌رود وزارت نفت از طریق شرکت ذی‌نفع زیرمجموعه خود (شرکت ملی صنایع پتروشیمی) در سیاست‌گذاری، نظارت و ترسیم نقشه راه توسعه صنعت پتروشیمی به مسائل مطرح‌شده توجه لازم را مبدول کند.

لیلا مرگن: گزینه پیشنهادی وزارت نیرو می‌خواهد برنامه‌هایی بلندمدت برای بخش آب و برق کشور تدوین کند. او به دنبال مسکن نیست و معتقد است؛ راه‌حل‌های چهارساله نه‌تنها آبرویی درست نمی‌کند که چشم را هم کور خواهد کرد. مدیریت تأمین آب و برق کشور به اعتقاد رضا اردکانیان به مصرف و تقاضا گره خورده است و براساس این باید برنامه‌های جامعی هم برای مصرف چید، او می‌گوید: «بدمصرف‌کردن را نمی‌توان پشت یک‌سری الفاظ و لغات دیگر ببوشانیم؛ اما باید تربیت صحیح مصرف پیدا کنیم». ۱۲ سال در مجامع بین‌المللی حضور داشته و برنامه دهه بین‌المللی آب حاصل این حضور است. پیش از ترک ایران، نیز سکندار شرکت مدیریت منابع آب ایران بوده است؛ تجاربی که تحلیل این گفته اردکانیان را برایمان راحت‌تر می‌کند: «باید فاضلاب برای ما به شکل منبع مطرح شود. به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک توجه به این مسئله ضرورت دارد». او معتقد است همان‌طور که در دنیا فاضلاب را به چشم منبع قابل استفاده نگاه می‌کنند، ما هم باید از فاضلاب استفاده کنیم و از مدیریت دفع آن فاصله بگیریم. گزینه پیشنهادی وزارت نیرو با دقت بسیار به پرسش‌های مربوط به آب پاسخ می‌دهد. با وسواس از کلمات استفاده می‌کند و تقریباً بی‌گدار به آب نمی‌زند. این فرد با همه دقتی که دارد، می‌گوید: پروژه‌های انتقال آب قیلا مسکن‌هایی تصور می‌شد که امروزه گاهی دندرسرآس هم شده‌اند. برای ساماندهی مسائل آب کشور، به تعریف منابع جدید آب اعتقاد دارد و فاضلاب و بازچرخانی آن را منبع جدیدی تعریف می‌کند که باید برای آن برنامه داشت. از رصد مصاحبه‌های اخیر اردکانیان می‌توان فهمید که او وزیری نیست که به دنبال خارج کردن آب از دهان شیر باشد یا در افق‌های ژرف زمین و گیلومتراها پایین‌تر از سطح آن به دنبال آب بگردد. اردکانیان گزینه‌ای است که برای تأمین آب، در میان من و تو، از طریق اصلاح روش‌های مصرف و الگوی زندگی به دنبال منبع جدید خواهد گشت. رضا اردکانیان با هماهم مدیر مؤسس انستیتوی در دانشگاه سازمان ملل برای مدیریت پایدار منابع زیستی (آب، خاک و پسماند) در گفت‌وگویی با خبرنگار «شرق» در آستانه اخذ رای اعتمادش از مجلس، چند برنامه محوری خود را طرح می‌کند که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید:

● مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع زیستی (آب، خاک و پسماند) شاید چالش قابل‌ذکری برای وزیری آینده نیرو باشد. با این توضیح که سا قانون جامع خاک نداریم، پسماند دارای مؤلفیان متعددی است و آب نیز با قوانین مختلف، دارای چندین متولی است؛ به‌این‌ترتیب، سازماندهی یک مدیریت به‌هم‌پیوسته کار دشواری نخواهد بود؟

کشورهای مختلف دنیا در مناطق و عرصه‌هایی که به شکل عملیاتی به موضوع مدیریت توانمان آب، خاک و پسماند می‌پردازند، قطعا در نقطه شروع به بحث تدوین قوانین لازم برای این‌ کار توجه نمی‌کنند؛ یعنی ابتدا یک مقدار به ضرورت مدیریت به‌هم‌پیوسته با تحلیل‌های مدیریت هزینه و فایده توجه کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت غیر به‌هم‌پیوسته جواب نداده و مسائل آنها را حل نکرده است. بعد از آن دنبال راهکارهایی بودند که ببینند وقتی ما مثلاً در افق سه دهه آینده قرار است حجم‌های بیشتری آب و غذا برای تأمین نیازهای جامعه در اختیار داشته باشیم، آیا با وضع موجود قادریم این نیاز را را تأمین کنیم یا نه. بعد از طی این مرحله، به این راه‌حل رسیدند که ما باید منابع زیستی خود را با هم ببینیم. این باهم‌دیدن ابتدا در محدوده نظری مطرح شده است. در مراحل بعدی به تدوین مدل‌های مختلف دراین‌باره رسیده است. سپس کشورها به تدوین سازوکار قانونی و به ایجاد ساختارهای مناسب برای پیاده‌کردن چنین نظریاتی توجه کرده‌اند. طبیعتاً ما هم باید در چنین مسیری حرکت کنیم. ابتدا باید یک تصویربرداری از وضع موجود داشته باشیم. باید بدانیم که در‌حال‌حاضر چگونه عمل می‌کنیم و قوانین مورد استفاده چیست. آیا این قوانین تعارض و هم‌پوشانی دارد یا خیر. بعد گفت‌وگو براساس مسئولیت مشترک و هدفی واحد در سطح سازمان‌های دولتی با متعاقب آن در خارج از دولت باید شکل بگیرد تا به یک گفتمان واحد برسیم و به این نتیجه دست یابیم که نیازمندیم با هم کار کنیم. اینجا نقطه شروع عملیات است. بعد از آنکه متوجه نیازهای خود شدیم، خلا‌ها و سازوکارهای موجود شناسایی می‌شود. فکر می‌کنم در زمینه مدیریت به‌هم‌پیوسته منابع زیستی در آغاز راه هستیم؛ بنابراین ابتدا برای ایجاد این گفتمان باید تلاش کنیم. برای ایجاد این گفتمان نیازمندیم که ذی‌نفعان را دور هم جمع کنیم و با روش‌هایی که مرسوم و عملی است، این بحث را توسعه دهیم و به صورت موازی بتوانیم در سطح سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی مثل جهاد کشاورزی، سازمان محیط زیست، دستگاه مسئول صنعت و انرژی و شهرداری‌هایی که متولی مستقیم و غیرمستقیم در بخشی از این کار (پسماند) هستند، گفت‌وگو را شروع کنیم تا در یک بازه زمانی مناسب به نقطه‌ای برسیم که آغاز کار برای اجرای بحث‌های مدیریت توانمان است. ● برای اجرای سیاست مدیریت توانمان نیاز به دانش آموختن‌های علوم اجتماعی برای کار تسهیلگری خواهید داشت؟ یعنی به سازوکارهایی فکر می‌کنید که شرکت‌های تسهیلگر وارد عمل شده و به وزارت نیرو در مدیریت توانمان آب، خاک و پسماند کمک کند یا در قالب کارگروه‌های مرسوم دولتی، تصمیم‌سازی برای مدیریت توانمان انجام می‌شود و پس از آن از حضور نیروهای تسهیلگر استفاده خواهد شد؟

اقتصاد

وزیر پیشنهادی نیرو در گفت‌وگو با «شرق»:

برنامه ۴ ساله تعریف نمی‌کنیم

بدمصرف‌کردن را نمی‌توانیم پشت یک سری الفاظ و لغات دیگر ببوشانیم



علیر شریاتی، وزیر شرق

لرژمو از ابتدای کار نیازی به دید عملیاتی نیست و لزومی ندارد که ببینیم چه شرکت‌هایی باید باشند و چه شرکت‌هایی نباید باشند. در واقع در مراحل اولیه درباره بحث درگیرکردن شرکت‌ها و ساختارها فکر نمی‌کنیم. ابتدا باید ببینیم به چه عرصه‌ای از دانش نیاز داریم. اگر دانش علوم اجتماعی باید درگیر این موضوع شود، قطعا دنبال می‌کنیم که این دانش کجاست. آیا این دانش در دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی، سازمان‌های مردم‌نهاد یا در افراد و اشخاص حقیقی وجود دارد؟ ما به دنبال بازکردن دریچه‌های جدیدی هستیم؛ به‌ویژه در دوره‌ای که قرار است مدیریت بهتری در مدیریت تقاضا هم در بخش آب و هم در بخش انرژی داشته باشیم، سعی می‌کنیم نزدیکی بیشتر و بهرمندی بیشتری از رشته‌ها و شاخه‌های علوم اجتماعی برای وزارت نیرو فراهم کنیم. هیچ محدودیتی متعاقب آن نداریم که چگونه از این دانش استفاده کنیم. ما راجع به سازوکارها فکر می‌کنیم. اگر این سازوکارها در قالب مجموعه‌هایی است که به تعبیر شما اسم شرکت روی آن گذاشته می‌شود، حتماً دست همکاری به سوی آنها دراز می‌کنیم. حتی می‌توانیم به فکر تغییر شرح وظایف برخی ساختارهای خود باشیم و لزوماً دنبال آن نباشیم که ساختارهایی را اضافه کنیم.

● برنامه‌های شما برای پروژه‌های انتقال آب چیست؟ این پروژه‌ها مجدد مطالعه و بازتعریف می‌شود یا اینکه قرار است پروژه‌هایی که پیشرفت فیزیکی زیادی داشته‌اند، تکمیل شود؟

ما با واقعیت‌هایی مواجه هستیم که جز، لانفک زندگی ماست. در اقلیم خشک و نیمه‌خشک به دنیا آمده‌ایم، ادامه حیات می‌دهیم و از دنیا می‌رویم. نسل اندر نسل در این شرایط زندگی کرده‌ایم و تغییری در اقلیم ایران به سمت مثبت شدن رخ نخواهد داد. اگر سه هزار سال پیش آن‌طور که مستند است، مردم ایران پدیده‌ای شگرف به نام قنات را به دنیا عرضه کردند، حاکی از این است که این خشکی از قدیم وجود داشته است. نقطه روشن و امیدوارکننده این است که پدران ما در سازگاری با طبیعت به این راه‌حل رسیده‌اند و طبیعتاً ما هم نباید تسلیم شویم. قطعا می‌توانیم برای حل مسائل به راهکار برسیم. وقتی در چنین شرایطی به سر

می‌بریم، تغییرات پیش‌رو می‌تواند وضع ما را سخت‌تر کند. به این مفهوم که تغییرات اقلیمی می‌تواند شرایط زیستی ما را سخت‌تر کند و هیچ‌گاه این تغییرات به نفعی نمی‌رود که ما را جزئی از قاره اروپای سبز کند. در این شرایط درمی‌یابیم که در برخورد با شرایط خشک‌سالی و سیل، مشکلات بیشتری پیدا خواهیم کرد؛ بنابراین طبیعتاً باید به فکر منابع جدید باشیم. تردیدی در این مسئله نیست که برای حفظ حیات مسکون در ایران، ما نمی‌توانیم عرصه‌های وسیعی از زندگی و حیات را در کشور از دست بدهیم. جدا از جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی این بحث‌های متعدد مطرح است که باید حیات مسکون را در سرزمین حفظ کنیم. پس باید منابع جدید آب داشته باشیم. تأکید دارم که باید منبع جدید داشته باشیم و نباید آن را به انتقال آب محدود کنیم. بحث منابع جدید سرفصلی خواهد بود که ما نیازمند کار روی آن هستیم.

امروز در دنیا به سمتی می‌رویم که از ذکر لغت فاضلاب در کنار آب پرهیز شود. فاضلاب به‌عنوان یک منبع دیده می‌شود؛ ولی رنگ‌های مختلفی به آب داده می‌شود تا اشکال مختلف آب از هم تفکیک شوند. در سایر کشورها در اینکه همه اینها آب هستند، هیچ تردیدی وجود ندارد که این خود نوعی فرهنگ‌ساز است. درحالی‌که تا همین چند سال پیش حتی در شرح وظایف قانونی وزارت نیرو ذکر می‌کردیم که کار ما تأمین آب و دفع سالم فاضلاب است؛ یعنی فاضلاب را یک محصولی می‌دیدیم که مأموریت وزارت نیرو دفع‌کردن آن به شکل سالم بود. امروزه فاضلاب را به‌عنوان یک منبع جدید تعریف می‌کنیم. استفاده سالم از پساب‌ها منبعی جدید است و باید فاضلاب برای ما به شکل منبع مطرح شود. به‌ویژه در مناطق خشک و نیمه‌خشک توجه به این مسئله ضرورت دارد. امروزه در دنیا چیزی حدود ۲۰ میلیون هکتار اراضی کشاورزی با فاضلاب آبیاری می‌شود و تلاش وسیعی در سطح سازمان‌های بین‌المللی دراین‌باره شروع شده است. خود من یکی، دو

و آن سرمایه‌گذاری بیشتر مشکل را وسعت خواهد داد. بنابراین ما در یک دهه یا کمتر با بیشتر یا مسئله‌ای به‌مراتب بزرگ‌تر از مسئله اولیه مواجه می‌شویم که انتقال، ممکن است راه‌حل آن نباشد. نه موضوع انتقال آب برای تأمین نیازهای شرب از فهرست منابع جدید خارج می‌شود و نه در صدر فهرست قرار می‌گیرد که ما با حفظ همه بدرفتاری‌هایی که داریم، کم‌اگان انتقال را راه‌حل آن کار بدانیم. ما حالت بیماری را داریم که بر اثر تصادف و هر اتفاقی مجروح است و خون از بدنش خارج می‌شود. در چنین شرایطی بیمار نیاز به تزریق خون دارد. پزشکان همه توان خود را برای جبران مشکل این مجروح به کار می‌برند که خون جدید به فرد تزریق شود. اما اگر در فرایند درمان متوجه شویم که بیمار از قبل گرفتار خونریزی داخلی هم هست، ابتدا خونریزی داخلی را درمان می‌کنند. در مسئله آب بدمصرف‌کردن ما همان مسئله خونریزی داخلی است. اولویت را باید به درمان خونریزی داخلی اختصاص دهیم. این مسئله‌ای است که نیاز به تکرار و فرهنگ‌سازی دارد. طبیعتاً این مسئله نیاز به ضابطه‌مندشدن و تبدیل‌شدن به مقررات و قوانین مرتبط با آن دارد.

● به دلیل مشکلات اقتصاد برق، شرکت‌های فعال در این حوزه در حال ورشکستگی هستند. زمانی برنامه‌ریزی بخش برق برای اقی ۵۰ سال آینده و تأمین نیازهای آتی بود اما این روزها صنعت برق به دلیل مسائل مالی به روزمرگی افتاده و فقط دعا می‌کند که پیک (زمان اوج مصرف) تابستان را به سلامت پشت سر بگذارد. فکر می‌کنید چگونه می‌توان مسائل بخش برق را سامان داد و اقتصاد برق را اصلاح کرد؟

خیلی علاقه داشتیم که شما قبل از اینکه ببرید چطور می‌توان مسئله صنعت برق را سامان داد، ببرسید که چرا این‌گونه شد و بعد سؤال کنید که حال چه کاری می‌شود انجام داد. ما مشکلاتی را که حاصل عملکرد خودمان است، بدون آسیب‌شناسی و تفکر در این رابطه که چرا به این نقطه رسیده‌ایم، نمی‌توانیم حل کنیم. به‌علاوه فوری که برای مقاطع چهارساله و... می‌دهیم، بعضاً مسکن است و بر اثر گذشت زمان، متوجه می‌شویم که نه‌تنها آبرویی را درست نکرده، بلکه چشمی را هم کور کرده است. ما در بخش برق و در بخش آب که در محدوده عملکرد وزارت نیرو است و کلاً در بخش انرژی و منابع زیست‌محیطی، بد مصرف می‌کنیم. بدمصرف‌کردن را نمی‌توانیم پشت یک سری الفاظ و لغات دیگر ببوشانیم؛ باید تربیت صحیح مصرف پیدا کنیم. وگرنه زندگی پایدار نخواهیم داشت. نکته دیگر اینکه باید پی‌پذیریم بخش عمده این مصرف ناصحیح به این بازمی‌گردد که سرمایه‌گذاری لازم برای مدیریت تقاضا نکرده‌ایم. وزارت نیرو به‌عنوان اصلی‌ترین دستگاه دولتی که مسئول تأمین آب و برق مطمئن و پایدار است، مأموریت کنترل تقاضا را هم دارد. در بخش برق، تماماً تمرکز فعالیت‌هایمان روی تأمین برق بوده است. البته به درستی همکاران ما در صنعت برق احساس مسئولیت کردند و با یک غیرت مثال‌زدنی، در همه این سال‌ها، چه سال‌های زمان جنگ که من در عنوان جوانی در وزارت نیرو حضور داشتم و چه در سال‌های بعد از جنگ، همواره سعی بر این بوده است که پیک را جواب بدهیم. امسال نسبت به سال گذشته ۷،۳ درصد مصرف برق پیک رشد داشته است. این رشد ما فقط رشد مصرف است. این رشد متناسب با رشد تولیدمان نیست. این رشد کلاً بر عرصه توسعه کشور متناسب نیست و معضلت مصرف‌گرایی است. ما باید برای اصلاح این روند برنامه داشته باشیم. به روش‌های مختلف باید به این مسئله بپردازیم که طبیعتاً اقتصاد برق یکی از روش‌های مؤثر است زیرا همه سیکنال‌های جامعه مصرف‌کننده به آن پاسخ مثبت می‌دهند و در همه کشورهای دنیا با این شیوه به نتیجه مطلوب رسیده‌اند. قرار است با لوله‌کشی که بنا بر ضرورت بحث رای اعتماد باید از نزدیک در مجلس با نمایندگان مردم در قالب کمیته تخصصی، کمیسیون‌ها، فراکسیون‌ها و مجامع استانی صحبت می‌کردم، دریافتیم که سطح بسیار بالایی از فهم و درک مسئله و آمادگی درباره حل مسائل وجود دارد. بسیار بیش از گذشته علاوه بر اتکا به ظرفیت بالای نیروی انسانی کشور، امروز دلگرم و روشن‌دل هستم نسبت به آمادگی و شرایطی که در مجموعه قوه قانون‌گذاری ما وجود دارد. امیدواریم با استفاده از این پتانسیل‌ها به سمت قدم‌های جدی در مدیریت تقاضا در هر دو عرصه به‌ویژه بخش برق برویم.

خبر

تورم مهرماه ۹،۸ درصد شد

● نرخ تورم در ۱۲ ماه منتهی به مهر ۱۳۹۶ نسبت به ۱۲امه منتهی به مهر ۱۳۹۵ معادل ۹،۸ درصد اعلام شد. به گزارش بانک مرکزی، نرخ تورم براساس سال پایه ۱۰۰=۱۳۹۵ در ۱۲امه منتهی به مهر ۱۳۹۶ نسبت به ۱۲ ماه منتهی به مهر ۱۳۹۵ معادل ۹،۸ درصد است. شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در مهرماه ۱۳۹۶ به ۱۰۸،۴ رسید که نسبت به ماه قبل ۰،۴ درصد افزایش یافته است. همچنین این شاخص در مهرماه ۱۳۹۶ نسبت به ماه مشابه سال قبل معادل ۸،۴ درصد افزایش داشته است.

ادامه از صفحه ۴

«سیستان» در تله

خاله شما خَیَرد؟ صداها در هم می‌شود: «اعصاب شوهرم خرابه، پول ندارم بزم دکتر. کار نمی‌کنه، گوشه خونه‌اس. یک بچه دارم، یکی هم تو راهه»، «خترم تشنجی است. کم‌خونی هم دارد»، «۹۰ ساله بچه‌ام نمیشه. شوهرم چندبار خواست زن بگیره. روزی نیست که بستری نشم از مشکل اعصاب. کمک می‌کنید بچه‌دار شم؟»

● بچه‌دار بشی خوب می‌شی؟ تتهام. بچه باشه خوب می‌شم. راهنما می‌گوید یکی از این خاندها که چهار فرزند دارد و یکی از بچه‌هایش هیانیت هم دارد، دو تا از کودکان یک خانواده معتاد و آن یکی که مشکل اعصاب دارد را هم نگه می‌دارد. شوهرش هم آسم دارد و بی‌کار در خانه است. قالیبافی می‌کند. او هم مثل بقیه، قرص اعصاب و تپش قلب می‌خورد.

تقریباً همه یک جا جمع شده‌اند. ● این تاکک چیه؟ دستنویی؛ برای ما چهار خانواده‌اس. ● حومو دارید؟ آره داریم.

من را کنشان‌کشان دنبال خود می‌برد. ● اینجاست؟

به نشانه تأیید سر تکان می‌دهد. شبیه حمام که برده‌شدن. راهنما می‌گوید: «وضعیت این مردم همیشه این‌طور نبود. کشاورز دامداری با صیاد بودند. ۲۰ سال منظر مانند‌تا شاید اوضاع بسامان شود، اما وقتی کم‌کم شغل خود را از دست دادند و همه چیز خود را فروختند تا دوباره گشت کنند یا قایق بخرند، به این حال و روز افتادند.»

حرف‌هایش را تعمیم می‌دهد به مردم سیستان: «تقریباً ۷۰ درصد جمعیت ۴۵۰ هزار نفری سیستان همین وضعیت را دارند. قبلاً اوضاع‌شان خوب بود، اما حالا اغلب مجبور به مهاجرت می‌شوند.»

صدایش را کمی بالاتر می‌برد: «بیک زمان کار فرماندارها این بود که نگذارند کسی از اینجا برود. فقط کسی می‌توانست وسایل خانه‌اش را حمل‌ونقل کند که کارمند بود. این مردم حتی حق مهاجرت هم ندارند. باید در همین شرایط زندگی کنند چون به جمعیت در مرزها نیاز داریم.»

دفع آب زیرزمین

تصویری مبهم از آینده‌ای که اگر بر همین منوال ادامه پیدا کند، چندان روشن نیست. سوءمدیریت در منطقه کاملاً پیداست. هامون خشک شده و مسئولان به فکر انتقال آب از چاه‌نیمه به شهرهای جنوبی‌تر استان هستند و در کنار آن سخن از انتقال آب از دریای عمان برای یک مگاپروژه به میان می‌آید. طرح انتقال آب با لوله به اراضی ۴۶ هزار هکتاری دشت سیستان» پس از ۲۰ سال خشک‌سالی، قرار است با لوله‌کشی با مجموع اعتبار ۵۰۰ میلیون دلار از صندوق توسعه ملی، کشاورزی را در منطقه سر پا کنند؛ درست زمانی‌که دیگر کیفیت و پتانسیل خاک کاهش یافته و توام با شوری و قلیاسبت و اساساً نمی‌تواند سطح تولید در هکتار را افزایش دهد. علاوه بر آنکه این انتقال آب، بدون زدکشی خواهد بود و همین امر به گفته کارشناسان فقط دffen زیر زمین را بدون هیچ حاصلی به دنبال خواهد داشت. با این حال شاهدیم هر روز تله «سیستان» تگ‌تر و تگ‌تر می‌شود.

مناقصه شماره ۱۱—۹۶ (نوبت دوم)

فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای انجام خدمات تعمیر

نگهداری رایانه و تجهیزات جانبی شرکت آب منطقه ای البرز

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز در نظر دارد فراخوان جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله ای انجام خدمات تعمیر ، نگهداری رایانه وتجهیزات جانبی شرکت آب منطقه ای البرز را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان شامل دریافت و تحویل اسناد مناقصه از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس **www.setadiran.ir** انجام خواهد شد.لازم است مناقصه گران در صورت عدم عضویت قبلی،مراحل ثبت نام در سایت مذکور در دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.تاریخ انتشار فراخوان در سامانه تاریخ ۹۶/۸/۴می باشد.

اطلاعات و اسناد مناقصه از طریق سامانه قابل دریافت می باشد.

مهلت دریافت اسناد: تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۳۹۶/۸/۷
مهلت دریافت پاسخ: تا ساعت ۱۳ مورخ ۱۳۹۶/۸/۱۹
زمان بازگشایی پاکات:ساعت:۱۰ مورخ ۱۳۹۶/۸/۲۰
اطلاعات تماس
دستگاه مناقصه گذار: کرج- مهرشهر-بلوار امام خمینی (ره)-روبروی مصلی-خیابان بوستان- شرکت سهامی آب منطقه ای البرز- تلفن ۳۲۰-۳۱۰-۲۶۳۳۳۳۳۳۰

اطلاعات تماس
سامانه جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۰۲۱.۲۷۳۱۳۱۳۱. دفتر ثبت نام:۰۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۰۸۵۱۹۳۷۶۸-۰۲۱-

شرکت سهامی آب منطقه ای البرز



شرکت آب منطقه ای البرز